

یکشنبه ۴ مرداد ۱۴۰۵ – ۲۶ جولای ۲۰۲۶ – ۱۱ صفر۱۴۴۸ – شماره ۷۷۹۸

خبر

آموزش وپروش:

تحولی جدید در تدریس

کتاب درسی ایجاد می‌شود

دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش با تشریح رویکردهای زیست‌بوم جدید برنامه درسی دوره اول ابتدایی، راهبران دانش و تدریس را مهم‌ترین حلقهٔ اجرای تحول در مدارس دانست و تأکید کرد: در الگوی جدید، محور عمل ز «تدریس کتاب درسی» به «تحقق برنامه درسی و طراحی موقعیت‌های یادگیری» تغییر می‌کند.

حمود امانی طهرانی دبیرکل شورای‌عالی آموزش‌وپرورش در آیین افتتاحیه نشست «زیست‌بوم جدید برنامه درسی دوره اول ابتدایی» ویژه راهبران برنامه درسی استان‌های سراسر کشور، با مرور تجربه‌های تحول برنامه‌های درسی در سه دهه گذشته، آغاز اجرای زیست‌بوم جدید برنامه درسی را نقطه عطفی در نظام تعلیم و تربیت کشور دانست.وی با اشاره به تجربه تحول کتاب‌های درسی از دهه ۱۳۷۰ تاکنون، گفت: نخستین گام تحول، تغییر رویکرد آموزش از انتقال صرف دانش به یادگیری فعال، پرورش مهارت‌ها و شکل‌دهی نگرش‌های دانش‌آموزان بود؛ رویکردی که به تدریج در همه کتاب‌های درسی گسترش یافت و نقش دانش‌آموز را در دریافت‌کننده محتوا به یادگیرنده‌ای فعال تغییر داد.امانی با بیان اینکه در ادامه این مسیر، برنامه‌های درسی با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش همسو شد، افزود: در این مرحله، توجه به فرهنگ و تمدن ایران و اسلام، تعدیل حجم کتاب‌های درسی و طراحی درس‌های جدیدی همچون، «کار و فناوری»، «تفکر و سواد رسانه‌ای»، «انسان و محیط زیست» و «سلامت و بهداشت» از مهم‌ترین دستاوردهای تحول بود.دبیرکل شورای‌عالی آموزش و پرورش، آغاز زیست‌بوم جدید برنامه درسی را سومین مرحله تحول در نظام برنامه‌ریزی درسی کشور عنوان کرد و اظهار داشت: مهم‌ترین ویژگی این دوره، شکل‌گیری نقش جدید راهبران برنامه درسی است؛ نقشی که تاکنون در ساختار آموزشی کشور وجود نداشت و اکنون به‌عنوان حلقه واسط میان برنامه درسی، مدرسه و معلمان ایفای نقش خواهد کرد

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

تورم، تابوی خرید کالای دست دوم را شکست

از فشارهای اقتصادی تا جابه‌جایی بازار از شکل سنتی به فضای آنلاین، می‌تواند تغییر الگوی مصرف خانوارها و گرایش بیشتر آن‌ها به کالاهای دست‌دوم را توضیح دهد. با این حال، یک پرسش همچنان باقی است: آیا این تغییر صرفاً نتیجه نتگنای اقتصادی است یا به‌تدریج ذائقه و نگاه جامعه به خرید کالای دست‌دوم نیز دگرگون شده؟

بر اساس تازه‌ترین داده‌های آماری در سال ۱۴۰۵، جهش ۱۱۱ درصدی تورم نقطه‌به‌نقطه لوازم خانگی، افزایش لجام‌گسیخته ۸۲٫۲ درصدی قیمت پوشاک و قیمت‌های سرسام‌آور در بازار کالاهای دیجیتال، بسیاری از خانوارهای ایرانی را ناگزیر به تغییر الگوی مصرف و روی آوردن به بازار کالاهای دست‌دوم کرده است.

رئیس اتحادیه سمساران نیز در گفت‌وگو با فرارو، این تغییر رفتار مصرف‌کننده را واکنشی طبیعی به شرایط اقتصادی می‌داند و می‌گوید: «با این وضعیت گرانی، افزایش تقاضا برای خرید کالاهای دست‌دوم کاملاً قابل پیش‌بینی است، اما چه عواملی باعث شد تابوی خرید کالای دست‌دوم در ایران شکسته شود؟»
بین ۲۴ تا بیش از ۴۰ میلیون تومان برآورد می‌شود، سال طبیعی است که خرید کالاهایی که مستقیماً با نیازهای اولیه زندگی و پله بقا مرتبط نیستند، به تعویق بیفتند. با این حال، برخی هزینه‌ها در زندگی روزمره اجتناب‌ناپذیرند. در چنین وضعیت چالش‌برانگیزی، خانوارها ناچار می‌شوند برای مدیریت منابع مالی خود، الگوی مصرفشان را تغییر دهند. اما چاره چیست؟ در در دسترس‌ترین و بداهه‌ترین تصمیم ممکن، خرید کالای دست‌دوم به ذهن اکثر افراد خطور می‌کند.

بسیاری از خانواده‌ها خرید لوازم خانگی نو را به تعویق انداخته‌اند

شاید بخش عمده‌ای از دلایل رونق بازار کالاهای دست‌دوم را بتوان در کاهش چشمگیر قدرت خرید خانوارها جست‌وجو کرد. علیرضا قنذلی، رئیس اتحادیه فروشندگان و تعمیرکاران لوازم خانگی اسفهان در این باره می‌گوید: «کاهش قدرت خرید مردم در پی افزایش بی‌رویه قیمت‌ها، موجب شده است تا بسیاری از خانواده‌ها خرید لوازم خانگی جدید را به تعویق بیندازند و حتی ترجیح دهند به‌جای جایگزینی کالای نو، وسایل معیوب خود را تعمیر کنند».

او تأکید می‌کند که حتی هزینه تعمیرات نیز به دلیل افزایش قیمت قطعات یدکی در بازار، به‌طور قابل‌توجهی بالا رفته است. به این ترتیب، بخش بزرگی از مصرف‌کنندگان هنگامی که بر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

هجوم ایرانی‌ها به سمت بازار کالاهای کار کرده

سر دوراهی خرید کالای نو، تعمیر وسیله قدیمی یا خرید کالای دست‌دوم قرار می‌گیرند، گزینه سوم را اقتصادی‌ترین راهکار می‌یابند.

چوب حراج به کمد لباس‌ها

مارال، یکی از کاربرانی که تعداد قابل‌توجهی از لباس‌های داخل کمدش را در پلتفرم دیوار به حراج گذاشته است، تجربه خود را این‌گونه روایت می‌کند: «من علاقه زیادی به تمام لباس‌هایم دارم، اما وقتی دیدم دخل و خرج زندگی‌ام با هم هم‌خوانی ندارد و به‌شدت درگیر بدهی و قرض شده‌ام، تصمیم گرفتم بخشی از لباس‌هایم را بفروشم. از آنجا که لباس‌های من غالباً از برندهای شناخته‌شده هستند، مشتریان فراوانی برای



خرید آن‌ها پیدا شد.»

ریزش ۲۰ درصدی اعضای صنف امانت‌فروشان

در عین حال، شکل و مناسبت خریدوفروش کالاهای دست‌دوم نیز دستخوش تحولات شده است. بازارهای فیزیکی و سنتی این حوزه، نسبت به گذشته از رونق افتاده‌اند و بخش قابل‌توجهی از معاملات به پلتفرم‌های آنلاین و شبکه‌های اجتماعی منتقل شده است. در موارد متعددی، کانال‌ها و گروه‌های مجازی شکل گرفته‌اند که کالاها به‌صورت مستقیم در آن‌ها مبادله می‌شوند. عبدالله‌فر، رئیس پیشین اتحادیه سمساران و امانت‌فروشان در همین رابطه توضیح می‌دهد: «صنف امانت‌فروشان نیز از تبعات مشکلات معیشتی در امان نمانده است. چالش دیگر این صنف، رواج فروش کالاهای دست‌دوم در شبکه‌های اجتماعی است؛ به‌گونه‌ای که پس از ظهور و گسترش این پلتفرم‌های مجازی، حدود ۲۰ درصد از اعضای صنف امانت‌فروشان دچار ریزش

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

دست دوم را شکست

شدند و تغییر شغل دادند.»
خرید کالای نو فقط رفع نیاز نیست
مهرداد ناظری، جامعه‌شناس در پاسخ به این پرسش فرارو می‌گوید: «اصولاً مطالعه الگوهای مصرف در هر جامعه‌ای، به شناخت دقیق‌تر رفتارهای طبقات اجتماعی منجر می‌شود. در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از بحران کرونا وجنگ‌های اخیر، ناهم‌مری مردم، به‌خصوص در طبقات متوسط و فرودست، افت شدیدی را تجربه کرده است.»

وی می‌افزاید: «در واقع، خرید کالاهای برند یا نو، صرفاً پاسخی به یک نیاز کاربردی نیست، بلکه نوعی «نماد منزلتی» به شمار می‌رود که فرد از طریق آن، جایگاه اجتماعی خود را به نمایش عمومی می‌گذارد. برای مثال، فردی که پالتوی پوست می‌پوشد، تنها هدفش محافظت بدن در برابر سرما نیست، بلکه در پی آن است تا قدرت خرید خود را به رخ بکشد.»

اعتماد از فروشنده به سیستم‌ها و الگوریتم‌ها منتقل شده است

مسئله دیگری که از دیدگاه این استاد دانشگاه حائز اهمیت است، تغییر فرهنگ مصرف در سال‌های اخیر است. او در این باره می‌گوید: «در حال حاضر، مردم مانند گذشته به «مالکیت دائم کالا» فکر نمی‌کنند. سال‌ها این ضرب‌المثل در میان مردم رایج بود که می‌گفتند «هنوز آنقدر پولدار نشده‌ام که کالای ارزان بخرم» اما اکنون، اکثریت جامعه به این می‌اندیشند که کالایی را خریداری کنند. برای مدتی از آن بهره ببرند و سپس آن را به نفر بعدی که شاید قدرت خرید ضعیف‌تری دارد، واگذار نمایند.»

گوشی دست‌دوم، تلاشی برای حفظ هویت طبقاتی در برابر تورم

نورم پاپانی از دیدگاه دکتر ناظری این است که حفظ کیفیت زندگی برای خانوارهای ایرانی به یک مسئله حیاتی تبدیل شده است. او تصریح می‌کند: «خانواده‌ها برای دستیابی به این هدف، دو راهکار عمده را در پیش می‌گیرند: نخست، رفتن به ستروان یا مصرف غذای بیرون‌بر است که نشانه‌ای روانی برای القای این حس است که «ما هنوز از جریان عادی جامعه حذف نشده‌ایم». دوم، خرید کالای دست‌دوم است که در واقع نوعی مکانیسم دفاعی فردی و جمعی به شمار می‌رود تا فرد احساس نکند از چرخهٔ جهان مدرن خارج شده است.»او در پایان نتیجه می‌گیرد: «شهروندی که یک گوشی دست‌دوم برند می‌خرد، در واقع در حال نبردی روزمره برای حفظ و نمایش هویت طبقاتی خود در مواجهه با تورم است.»

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

تنش آبی در ۵۸ شهر؛ بارش‌های امسال کم‌آبی انباشته را جبران نکرد

با وجود ثبت بارش در ۶۱ درصدی بارش‌ها نسبت به سال گذشته، تداوم خشکسالی و توزیع نامتوازن بار

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: ابراهیم بهمنی جلالی

لیتوگرافی و چاپ شاخه سبز قم

تلفن تماس: ۰۳۳۸۵۵۰۰۳ – تلفکس: ۰۲ ۳۳۸۵۵۰۰۳

آدرس: خیابان شهدا- نیش خیابان پاستور

تغییر ریل سیاست پولی؛ آیا مسیر مهار تورم هموار می‌شود؟

که یا بانک‌ها برای تأمین نقدینگی به بانک مرکزی متکی‌تر شده‌اند، یا بدهی دولت و اجزای مرتبط با آن اثر فزاینده‌تری بر منابع پر قدرت گذاشته است، یا مجموعه‌ای از شوک‌های همزمان سمت عرضه و تقاضا، امکان کنترل نرم‌تر نقدینگی را از سیاست‌گذار گرفته است.

در همین حال، کاهش ضریب فزاینده نقدینگی به محدوده ۷۰۰۹۵ را می‌توان نشانه‌ای از آن دانست که سیاست کنترل ترازنامه بانک‌ها تا حدی توانسته از شدت خلق پول بانکی بکاهد.

این نکته از آن جهت مهم است که نشان می‌دهد سیاست



پولی در لایه دوم، یعنی در مهار شتاب وام‌دهی و کنترل

انبساط درون‌بانکی، بی‌اثر نبوده است.

ناترازی بانکی؛ قلب مسئله تورم مزمن

در سال‌های اخیر به‌تدریج روشن‌تر شده که بخشی از تورم مزمن ایران را باید در ساختار شبکه بانکی جست‌وجو کرد. بانک‌هایی که ترازنامه آنها به جای اتکا بر دارایی‌های مولد، درگیر دارایی‌های منجمد، مطالبات کم‌بازده، املاک، شرکت‌داری یا بدهی‌های انباشته شده‌اند، در عمل نه‌تنها نمی‌توانند نقش واسطه‌گری مالی کارآمد ایفا کنند، بلکه خود به عامل تولید بی‌ثباتی پولی تبدیل می‌شوند.

وقتی بانک برای ایفای تعهدات روزمره خود ناچار به

اضافه برداشت، تجهیز منابع یا نرخ‌های بالا یا اتکا به

تزریق‌های غیرمستقیم باشد، اثر آن در نهایت به رشد هزینه

پول و سپس به تورم منتقل می‌شود.

رابطه بودجه و تورم؛ حلقه‌ای که نمی‌توان نادیده

گرفت

هر تحلیلی از تورم در ایران که نقش کسری بودجه را در حاشیه قرار دهد، ناگزیر ناقص خواهد بود. دولت حتی زمانی که مستقیماً از بانک مرکزی استقراض نمی‌کند، می‌تواند از مسیرهای دیگری فشار مالی خود را به شبکه بانکی منتقل کند؛ از تسهیلات تکلیفی گرفته تا استفاده از ظرفیت بانک‌ها برای پوشش بخشی از تعهدات عمومی. همین مسئله باعث می‌شود که بانک‌ها به‌تدریج از مسیر تأمین مالی تولید فاصله بگیرند و به مجرای انتقال ناترازی‌های بودجه‌ای تبدیل شوند. در چنین شرایطی، بانک مرکزی اگرچه می‌کوشد از طریق محدودیت‌های ترازنامه‌ای یا ابزارهای نرخ سود، بر رشد نقدینگی اثر بگذارد، اما

نرخ سود؛ ابزار ضروری با پیامدهای دوگانه

یکی از متغیرهای مهم در تحولات اخیر، نرخ سود بین‌بانکی است که به سطوح بالای ۲۳،۹۷ درصد نزدیک شده و به سقف کریدور ۲۴ درصدی بسیار نزدیک است.

این سطح از نرخ سود، در ظاهر نشانه‌ای از تنگنای

نقدینگی در شبکه بانکی و نیاز بالای بانک‌ها به منابع کوتاه‌مدت است.

از منظر سیاست‌گذاری، نگه داشتن نرخ سود در سطوح بالا می‌تواند به مهار بخشی از فشار تقاضا و کنترل انتظارات کمک کند، اما در عین حال هزینه تأمین مالی را برای کل اقتصاد بالا می‌برد.

رکود سرمایه‌گذاری و فرسایش قدرت خرید

تورم در اقتصاد ایران صرفاً یک مسئله قیمتی نیست؛ مسئله‌ای است که به تدریج ظرفیت تولید، رفاه خانوار و افق تصمیم‌گیری بنگاه‌ها را هم فرسوده می‌کند.افت سنگین تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به این معناست که اقتصاد در حال مصرف کردن ظرفیت‌های گذشته خود است، بی‌آنکه برای آینده به اندازه کافی سرمایه‌گذاری جدید ایجاد کند.

چنین وضعیتی در میان‌مدت اثر خود را بر عرضه کل، اشتغال، بهره‌وری و در نهایت بر پایداری رشد نشان خواهد داد. تورم در این بستر دیگر صرفاً به معنای گران شدن کالاها نیست، بلکه به معنای کوچک شدن پیوسته ظرفیت اقتصاد برای پاسخ دادن به تقاضا نیز هست.

سیاست جدید بانک مرکزی در کجای این معادله قرار می‌گیرد؟

با توجه به این شرایط، تغییر جهت‌گیری بانک مرکزی به سمت اصلاح ترازنامه‌ها و پرهیز از تثبیت دستوری را می‌توان تلاشی برای نزدیک شدن به ریشه‌های واقعی‌تر تورم دانست.

این رویکرد نه به معنای کنار گذاشتن بازار ارز، و نه به معنای بی‌اهمیت شدن مدیریت نرخ سود است

بلکه به این معناست که سیاست‌گذار می‌کوشد موتورهای پنهان‌تری را هدف قرار دهد که در سال‌های گذشته کمتر در مرکز توجه قرار داشتند. این نگاه اگر با استمرار، شفافیت و هماهنگی همراه شود، می‌تواند زمینه را برای بازسازی تدریجی اعتماد به سیاست پولی فراهم کند.

در عین حال، این تغییر ریل را نباید بیش از اندازه بزرگ‌نمایی کرد. تجربه اقتصاد ایران و بسیاری از اقتصادهای گرفتار تورم مزمن نشان می‌دهد که اصلاحات پولی، زمانی به نتیجه ملموس می‌رسند که با انضباط مالی، اصلاح ساختار بودجه، کاهش تکالیف تحمیلی بر بانک‌ها، توسعه ابزارهای بازارمحور و بهبود محیط سرمایه‌گذاری همراه شوند. به بیان ساده‌تر، اگر اصلاح ترازنامه به

سیاستی منفرد تبدیل شود، احتمال آن وجود دارد که اثر آن در برابر فشار سایر ناترازی‌ها محدود بماند.

از منظر کارشناسی، مهار پایدار تورم در ایران نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات همزمان است. در گام نخست، رابطه مالی دولت و شبکه بانکی باید شفاف‌تر و محدودتر شود تا بودجه نتواند از مسیرهای غیرمستقیم، فشار پولی ایجاد کند.

در گام دوم، اصلاح شبکه بانکی باید از سطح کنترل رشد ترازنامه فراتر رود و به موضوعاتی مانند کفایت سرمایه، تعیین تکلیف بانک‌های ناتراز، فروش دارایی‌های غیرمولد و پایان دادن به بنگاهداری بانکی برسد.

در گام سوم، سیاست ارزی باید بر مبنای واقعیت‌های تجاری و ذخایر ارزی تنظیم شود، نه بر پایه تثبیت صوری یک نرخ که در نهایت به جهش‌های بزرگ‌تر ختم می‌شود. همزمان، استفاده فعال‌تر از عملیات بازار باز و کریدور نرخ سود می‌تواند به بانک مرکزی کمک کند که مدیریت نقدینگی را با انعطاف و دقت بیشتری انجام دهد، مشروط بر آنکه این ابزارها به‌جای جبران ناترازی‌های ساختاری، در خدمت تنظیم روزمره بازار پول قرار گیرند.

یکشنبه ۴ مرداد ۱۴۰۵ ۱۱ صفر ۱۴۴۸ - ۲۶ جولای ۲۰۲۶ - شماره ۷۷۹۸



آفتابی

یکشنبه ۴ مرداد ۱۴۰۵

اذان صبح: ۰۴:۳۱

طلوع آفتاب: ۰۵:۴۷

اذان ظهر: ۱۲:۰۷

غروب آفتاب: ۱۸:۲۸

اذان مغرب: ۱۸:۴۷

نیمه شب: ۲۳:۲۵

nasimgilan۷۶@yahoo.com

نقش تراستی‌ها در فروش نفت ایران؛ متولی کیست وزارت نفت یا بانک مرکزی؟



برعهده نهادهای امنیتی، نظارتی و قضایی است. پرونده‌های مرتبط با فساد اقتصادی در حوزه ارز و همچنین موضوع تراستی‌ها، در سال‌های اخیر از سوی مراجع مسئول از جمله دادسرای تهران و نهادهای ذ‌ربط دنبال شده است. این موضوع نشان می‌دهد که مسئله تراستی‌ها صرفاً یک بحث فنی در تجارت خارجی نیست، بلکه به سطحی از حساسیت راهبردی در اقتصاد کشور رسیده است.

در مجموع، تراستی‌ها محصول مستقیم شرایط تحریمی و محدودیت‌های ساختاری در مبادلات بین‌المللی ایران هستند؛ ابزاری که به تداوم صادرات نفت و انتقال منابع ارزی کمک کرده، اما همزمان هزینه‌های نظارتی و شفافیتی قابل‌توجهی نیز ایجاد کرده است. بر پایه اظهارات رسمی، مدیریت فروش نفت با وزارت نفت و مدیریت وصول ارز با بانک مرکزی است و نسبت دادن کل فرآیند تراستی‌ها به وزارت نفت، با واقعیت‌های اعلام‌شده همخوانی ندارد. به نظر می‌رسد تا زمانی که تحریم‌ها و محدودیت‌های بانکی پابرجاست، بحث درباره کارکرد، نظارت و مسئولیت‌پذیری تراستی‌ها همچنان یکی از محورهای مهم اقتصاد سیاسی ایران باقی خواهد ماند.

عراقچی:

آمریکا ۱۵ روز صبر می‌کرد، بحران ایجاد نمی‌شد



ارتباطی یا «خط تماس» به آن‌ها اختار دادیم و توضیح دادیم. خود من نیز بارها، چه به‌صورت مستقیم و چه از طریق واسطه‌های قطری و پاکستانی با آن‌ها گفت‌وگو کردم و تأکید کردم که اگر هرگونه نگرانی یا مشکلی وجود دارد، کافی است ۱۵ روز دیگر صبر کنند و ببینند آیا ایران به‌طور کامل به تعهدات خود عمل می‌کند یا خیر. ما در حال، ما در رفتار آمریکا هیچ نشانه‌ای از حسن نیت مشاهده نکردیم. به نظر می‌رسید بنای آن‌ها بر این بود که شرایط را به سمت تنش سوق دهند، یا شاید تصور می‌کردند می‌توانند حاکمیت و مدیریت ایران بر تنگه هرمز را کم‌رنگ کنند. به هر نیتی که عمل می‌کردند، در نهایت این آن‌ها بودند که توافقی را نقض کردند و روند تحولات را به مسیری کشاندند که امروز شاهد آن هستیم.

رئیس سابق سیا:

آمریکا در جنگ با ایران در مخمصه عمیقی گرفتار شده است

نکرده است.وی تأکید کرد حملات نظامی توانسته ایران را به تغییر موضع وادار کند و در مقابل، افزایش قیمت نفت و بالا رفتن هزینه‌های زندگی، فشار اقتصادی سنگینی بر شهروندان آمریکایی وارد کرده است.رئیس پیشین سیا بهمهین با اشاره به اینکه ترامپ در ابتدای جنگ وعده داده بود این درگیری ظرف چهار تا پنج هفته پایان یابد، گفت اکنون پس از گذشت نزدیک به پنج ماه، چشم‌انداز پایان جنگ امیدوارکننده نیست و رئیس‌جمهور آمریکا برای یافتن راه خروج از بحران با چالش جدی روبه‌رو شده است.

بول:

جنگ علیه ایران یک شکست همه جانبه است

بازنگری در توافقنامه همکاری با اسرائیل خودداری کرد. وی بیان کرد که تلاش‌های صلح باید گسترش یابد تا از راه‌حل دو دولتی حمایت شود. این در حالی است که اسرائیل این راهکار را نمی‌پذیرد و تمام تلاش خود را علیه آن به کار می‌گیرد. جامعه بین‌الملل باید به اسرائیلی‌ها فشار وارد کند، نه اینکه فقط سعی کند آنها را متقاعد کند. بول جنگ با ایران را از هر نظر یک شکست توصیف کرد. وی بیان کرد که تقاضنامه میان آمریکا و ایران برای تهران بسیار مطلوب بوده است.

پوردهقان:

پیگیری رفع محدودیت‌های اینترنتی در شرایط پایدارتر انجام می‌شود

علیه کشور ما رقم خورد، ما همچنان بر همان اعتقاد و تعهدی که داشتیم مبنی بر باز شدن فضا پایبند هستیم و در جلسات مکرر با وزاری مربوطه، به‌ویژه وزیر ارتباطات، این موضوع را پیگیری می‌کنیم.»پ‌وردهقان درباره لزوم همراهی با محدودیت‌های فعلی و پیگیری رفع آن‌ها در شرایط پایدارتر ادامه داد: «اکنون، شرایطی که در آن قرار داریم فضایی نیست که ما بخواهیم درباره آن به شکل اولویت‌دار صحبت کنیم چراکه موضوعات کشور فعلاً با عینک حوزه امنیتی دیده می‌شود و طبیعی است که هر موضوعی که امنیت کشور را در مخاطره بیندازد فعلاً دچار محدودیت باشد. در شرایط پایدارتر حتماً نیاز است که این فضاها باز شود و پیگیری خواهد شد؛ ولی در شرایط فعلی، محدودیت‌های خاص خودش را دارد که باید با آن همراهی شود.»

با تداوم تحریم‌ها، تراستی‌ها به یکی از ابزارهای انتقال درآمدهای نفتی ایران بدل شدند؛ شبکه‌هایی که نقششان مهم است اما همچنان با ابهام نظارتی همراه‌اند.

به گزارش مهر، اصلاح «تراستی» در سال‌های اخیر به یکی از پرکاربردترین واژه‌ها در ادبیات اقتصادی ایران تبدیل شده است؛ مفهومی که اگرچه ریشه در واژه انگلیسی Trust دارد، اما در فضای اقتصادی کشور بیش از هر چیز به شبکه‌ها و افرادی اطلاق می‌شود که در نقل‌وانتقال مالی و تجاری، به‌ویژه در حوزه فروش نفت، نقش واسطه‌ای ایفا می‌کنند. در شرایطی که اقتصاد ایران طی سال‌های گذشته تحت فشار تحریم‌های بانکی و مالی قرار داشته، این سازوکار به یکی از مسیرهای عملیاتی برای جابه‌جایی منابع ارزی تبدیل شده است.

شکل‌گیری مفهوم تراستی در ایران به دهه ۱۳۸۰ بازمی‌گردد، اما این اصطلاح هیچ‌گاه تعریف روشن و مدونی در قوانین و مقررات رسمی کشور پیدا نکرد. با این حال، تشدید تحریم‌های بین‌المللی از سال ۲۰۱۰ به بعد، عملاً استفاده از این شبکه‌ها را از یک انتخاب به یک ضرورت در اقتصاد تحریمی بدل کرد. در چنین فضایی، تراستی‌ها با ایجاد حساب‌های امانی و استفاده از ظرفیت‌های مالی در کشورهای واسط، به انتقال درآمدهای حاصل از صادرات نفت و برخی مبادلات خارجی کمک کردند.

فعالیت این شبکه‌ها عمدتاً در کشورهایی مانند امارات متحده عربی، ترکیه و عمان متمرکز بوده است؛ کشورهایی که به دلیل موقعیت تجاری و دسترسی به نظام مالی بین‌المللی، امکان ایفای نقش واسطه را بیشتر از دیگران فراهم کرده‌اند. در واقع، تراستی‌ها پاسخی عملی به محدودیت‌هایی بودند که کانال‌های رسمی بانکی ایران را با اختلال یا انسداد مواجه کرده بود.

از سوی دیگر، پیگیری تخلفات و ابهامات این حوزه